یادداشت

رئیس‌جمهور و مولدسازی یارانه‌ها

ادامه از صفحه اول

نوآوری مأموریت‌گرا اساسا یک مدل حکمرانی است که از طریق آن، حاکمیت، مأموریتی را تعیین می‌کند تا دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط در بخش دولتی و خصوصی را هم‌راستا و هم‌وظیفه کند تا یک هدف مشخص محقق شود. سیاست نوآوری مأموریت‌گرا یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که در چند دهه اخیر در اندیشه سیاست علم، فناوری و نوآوری پدید آمده است. اهمیت آن در این است که نقطه عزیمت سیاست را به حل مسائل بزرگ جامعه از طریق بسیج و جهت‌دهی فناوری، سرمایه، صنعت، دانش و نهادها تغییر می‌دهد. وظیفه دولت فراهم‌کردن زمینه شکل‌گیری و گسترش سرمایه‌های زنجیره‌ساز است؛ سرمایه‌هایی که توانایی تجمیع منابع، سازماندهی بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد بازار و افزایش بهره‌وری اقتصادی را دارند. سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نیز می‌تواند با رعایت الزامات قانونی و مالی، بخشی از منابع مازاد و درآمدهای جدید خود را در چنین مسیری به کار گیرد. بنابراین پرسش این است که چگونه می‌توان منابع عمومی را از چرخه توزیع یارانه به چرخه تولید، ارزش‌آفرینی و توسعه بنگاه‌های بزرگ ملی و سپس توزیع هدایت کرد؟ ظرفیت مالی دولت، ظرفیت عظیمی است که در ساده‌سازی‌های سیستم بازتوزیعی و توزیعی کشور به تحلیل می‌رود. دیرزمانی با اقتصاد دولتی در پی آن بوده‌اند که از این ظرفیت استفاده کنند؛ اما جز در مواردی معدود، این سیاست موفق نبوده است. از سوی دیگر، «بخش خصوصی بزرگ» توانسته است در برخی از حوزه‌ها از پس فعالیت‌های اقتصادی بزرگ برآید؛ به‌ویژه در صنایع غذایی، در پلتفرم‌های فروش و دیگر عرصه‌ها. پرسش این است که چرا بخشی از منابع هدفمندسازی یارانه‌ها با سازوکارهای شفاف در اختیار اینان قرار نگیرد تا با ترکیب با منابعی که خود دارند و با حفظ اصول قانون هدفمندسازی، بتوانند زنجیره‌های تولیدی کشور را ایجاد یا توسعه دهند؟ بخش خصوصی بزرگ توانسته است از بوته آزمون درآید و در این وضعیت پیچیده و پرخطر ایران، با بهره‌برداری از بازار ۹۰ میلیون نفری که سیاست‌های عمومی کشور در اختیار آنان قرار داده است، به موفقیت‌های درخور توجهی دست یابد. این تجربه و این بازار و سرمایه‌ای که در اختیار دارند، با منابع یارانه‌ها که تقویت شود، می‌تواند ظرفیت‌های ساختاری در تولید ایجاد کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد می‌توان صنایع را بر اساس چهار معیار ارزیابی کرد تا بتوان درباره اینکه منابع به کدام بخش تولیدی کشور داده شود، تصمیم گرفت.

این معیارها عبارت‌اند از: سرعت ایجاد جریان نقدی برای اینکه در چرخه اعطای یارانه‌ها خللی ایجاد نشود، وجود بازار بالفعل، امکان مشارکت سرمایه‌داران بزرگ و آثار مثبت بر زنجیره‌های تولید، آمادگی سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ برای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی سرمایه. بر اساس این معیارها، چند حوزه ظرفیت بیشتری دارند. به ترتیب: صنایع غذایی و زنجیره‌های یکپارچه کشاورزی؛ انرژی، برق و بهره‌وری صنعتی؛ صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و شیمیایی؛ صنایع معدنی و فلزی با ارزش افزوده بالاتر؛ ماشین‌سازی، قطعه‌سازی و تعمیرات صنعتی.

صنایع غذایی؛ بیشترین ظرفیت

در میان بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، صنایع غذایی و زنجیره‌های یکپارچه کشاورزی از ظرفیت درخور توجهی برای اجرای این الگو برخوردارند. دلیل آن روشن است: بازار داخلی گسترده، نیاز مستمر خانوارها، امکان صادرات به بازارهای منطقه‌ای و وجود حلقه‌های متعدد و گاه ناکارآمد در زنجیره تأمین، فراوری و توزیع. البته موضوع صنایع غذایی تازگی ندارد و از زمانی که نگارنده در جریان برنامه پنجم صنعتی فعالیت داشت، همین معنا دنبال می‌شد. در پیش‌نویس احکام قانون برنامه پنجم، وزارت صنایع و معادن وقت موظف شد: «... با مشارکت مؤثر بخش خصوصی و فعالان عرصه کشاورزی و صنایع تبدیلی، در سال اول برنامه، ساختار مدیریت توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی را اصلاح و تشکیلات گروهی محصول محور ایجاد نماید».

مسئله کشاورزی ایران صرفا کمبود تولید نیست؛ در برخی از محصولات، بخش مهمی از ارزش اقتصادی در فاصله میان تولید در مزرعه و رسیدن محصول به مصرف‌کننده از بین می‌رود. نبود سردخانه کافی، ضعف شبکه جمع‌آوری، محدودیت صنایع تبدیلی، بسته‌بندی نامناسب، دشواری حمل‌ونقل و فقدان شبکه‌های تجاری قدرتمند، موجب می‌شود محصولی که با صرف منابع آب، انرژی، زمین و نیروی کار تولید شده است، با ارزش افزوده‌ای کمتر از ظرفیت واقعی خود به بازار برسد.

سرمایه‌داری زنجیره‌ساز می‌تواند این گسست را برطرف کند. نکته محوری این پیشنهاد، تغییر شیوه استفاده از منابع عمومی است. در الگوی متعارف، دولت ممکن است برای حمایت از تولید، به تعداد زیادی از واحدهای کوچک و متوسط تسهیلات پراکنده اختصاص دهد؛ اما این واحدها گاه به دلیل فقدان بازار، فناوری، سرمایه در گردش یا شبکه توزیع، نمی‌توانند به فعالیتی پایدار و رقابت‌پذیر تبدیل شوند. در الگوی سرمایه‌داری زنجیره‌ساز، سازمان هدفمندسازی می‌تواند بخشی از منابع قابل سرمایه‌گذاری خود را در قالب مشارکت با شرکت‌های بزرگ و توانمند به کار گیرد تا زمینه شکل‌گیری هلدینگ‌هایی را فراهم کند که حلقه‌های مختلف یک زنجیره اقتصادی را به یکدیگر متصل کنند. این شرکت‌ها باید علاوه بر سرمایه و تجربه مدیریتی، توانایی دسترسی به بازار، فناوری، شبکه تأمین و سازماندهی تولیدکنندگان کوچک‌تر را داشته باشند.

برای مثال، یک هلدینگ بزرگ صنایع غذایی می‌تواند با مشارکت سرمایه عمومی، شبکه‌ای از سردخانه‌ها، مراکز جمع‌آوری محصولات، واحدهای فراوری و شبکه توزیع را در چند استان ایجاد کند. در مقابل، سازمان یا صندوق سرمایه‌گذاری وابسته به آن، سهم مشخصی از منافع اقتصادی پروژه را دریافت کند. این مشارکت می‌تواند از طریق خرید سهام شرکت پروژه، تأمین مالی مبتنی بر درآمد یا مشارکت در سود و زیان انجام شود.

در این ساختار، منابع عمومی به‌جای آنکه یک بار مصرف شوند، وارد فعالیت اقتصادی شده و امکان بازگشت اصل سرمایه و بخشی از بازده آن فراهم می‌شود. منابع بازیافت‌شده نیز می‌توانند دوباره در پروژه‌های مولد یا مأموریت‌های حمایتی به کار گرفته شوند.

البته مشارکت منابع عمومی با سرمایه‌داران بزرگ، بدون ضابطه و نظارت، می‌تواند به شکل‌گیری رانت و انحصار جدید منجر شود. از این رو است که حضور مؤثر رئیس‌جمهور و اتخاذ تدابیری که به تفصیل در طرح وجود دارد، می‌تواند از این نگرانی بکاهد.

بن‌بست تشکیل دولت اسرائیل و طرح تازه برای آینده نخست‌وزیر

آینده نتانیاهو روی میز مذاکره



شرق: بن‌بست تشکیل دولت اسرائیل پس از انتخابات ۲۷ اکتبر، با اختلاف بر سر رهبری ائتلاف، خدمت سربازی و نقش احزاب عربی عمیق‌تر شده است. هم‌زمان، پیشنهاد تازه‌ای برای تقسیم قدرت میان بنیامین نتانیاهو و گادی آیزنکوت، آینده سیاسی نخست‌وزیر و امکان عفو او را به مذاکرات گره زده است. انتخابات ۲۷ اکتبر اسرائیل هیچ‌یک از دو اردوگاه رقیب را به اکثریت نرساند. گادی آیزنکوت تا ششم دسامبر برای تشکیل دولت فرصت دارد؛ در حالی که نتانیاهو می‌کوشد با بهره‌گیری از اختلاف مخالفان، راهی برای ماندن در قدرت پیدا کند. آیزنکوت اعلام کرده سه مسیر را دنبال می‌کند: توافق با احزاب مذهبی حریدی، تشکیل دولت وحدت با لیکود و در صورت شکست دو گزینه نخست، معرفی دولتی اقلیت که برای کسب رأی اعتماد به حمایت احزاب عربی نیاز خواهد داشت. این راه‌ها در ظاهر متنوع‌اند، اما هرکدام با مخالفت بخشی از متحدان او روبه‌رو هستند. آویگدور لیبرمن، رهبر حزب اسرائیل خانه ما، تحت هیچ شرایطی حضور یا حمایت احزاب عربی را نمی‌پذیرد و در عوض از همکاری با احزاب مذهبی تندرو سخن می‌گوید؛ همان احزابی که معافیت پیروانشان از خدمت نظامی، سال‌ها از اصلی‌ترین محورهای اختلاف او با آنها بوده است. شکاف‌ها فقط به حساب کرسی‌ها محدود نیست. نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین و سیاست‌مدار راست‌گرا، به تشکیل دولت وحدت با لیکود تمایل نشان داده است. یایر گولان، رهبر حزب دموکرات‌ها، حاضر به همکاری با نتانیاهو نیست. یایر لاپید و آیزنکوت نیز بر ضرورت تغییر نخست‌وزیر تأکید دارند. این مجموعه ناهمگون، از راست‌گرایان ملی‌گرا تا چپ میانه را در بر می‌گیرد؛ سیاست‌مدارانی که در مخالفت با نتانیاهو اشتراک دارند، اما بر سر ترکیب و برنامه دولت آینده توافق نکرده‌اند.

بنت و تردید در صف مخالفان

در چنین فضایی، ملاقات بنت با نتانیاهو در کنست، متحدان او را غافلگیر کرد. دو طرف گفتند جلسه برای بررسی وضعیت امنیتی بوده و مقام‌های نظامی نیز در بخشی از آن حضور داشته‌اند. با این حال، شبکه ۱۲ اسرائیل گزارش داد دو سیاست‌مدار حدود نیم‌ساعت تنها گفت‌وگو کرده‌اند. برخی اعضای اردوگاه آیزنکوت این اقدام را تلاشی برای ایجاد شکاف در مخالفان دانستند؛ نزدیکان بنت، در مقابل تأکید کردند او قصد پیوستن به دولت تحت رهبری نتانیاهو را ندارد. تردید درباره نیت بنت سابقه دارد. او در سال ۲۰۲۱ با تشکیل ائتلافی همراه لاپید به ۱۲ سال نخست‌وزیری پیوسته نتانیاهو پایان داد؛ هرچند پیش از آن از متحدان سیاسی او بود. اکنون هم گزارش‌ها حاکی از آن است که بنت می‌خواهد امکان دولت وحدت بررسی شود، اما در صورت چرخش قدرت، آیزنکوت اول نخست‌وزیر باشد. لیبرمن و گولان حتی حضور نتانیاهو در نیمه دوم چنین توافقی را رد می‌کنند. آیزنکوت نیز به شبکه ۱۲ گفته است نتانیاهو با طولانی‌کردن مذاکرات وقت می‌خرد؛ اتهامی که لیکود نمی‌پذیرد. از سوی دیگر، شروط منتسب به لیکود فاصله دو اردوگاه را آشکار می‌کند. هاآرتص و شبکه ۱۲ از ۱۰ مطالبه خبر داده‌اند که مهم‌ترین آنها باقی‌ماندن نتانیاهو در نخست‌وزیری برای تمام چهار سال است. حفظ ایتامار بن‌گویر و متحدان کنونی در دولت، خودداری از تشکیل کمیسیون مستقل دولتی برای بررسی ناکامی‌های هفتم اکتبر ۲۰۲۳، تداوم تغییرات قضائی و پیشبرد قانون سربازی مطلوب احزاب حریدی نیز در فهرست گزارش‌شده قرار دارند. لیکود درستی برخی جزئیات، به‌ویژه درباره تحقیقات هفتم اکتبر و سربازی را رد کرده، اما بر نخست‌وزیری نتانیاهو اصرار ورزیده است. در سیاست خارجی و امنیتی نیز مطالبات گزارش‌شده آسان‌تر نیست؛ حمایت از عملیات نظامی تازه علیه ایران در صورت ضرورت، مخالفت با تشکیل کشور مستقل فلسطینی و جلوگیری از عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مواضع کنونی در غزه تا رفع تهدید حماس. آیزنکوت و دیگر رقیبان نتانیاهو در برخی اهداف امنیتی با او اختلاف بنیادین ندارند، اما درباره نحوه تصمیم‌گیری، مسئولیت شکست امنیتی هفتم اکتبر و حدود اختیارات دولت توافقی دیده نمی‌شود. هفته گذشته مخالفان توانستند ماتان کاهانا، از حزب آیزنکوت را با ۶۶ رأی به ریاست کنست برسانند؛ پیروزی پارلمانی مهمی که البته هنوز به معنای داشتن اکثریت برای تشکیل دولت نیست.

از نخست‌وزیری تا ریاست‌جمهوری؟

در کنار موضع رسمی لیکود مبنی بر نخست‌وزیری چهارساله، پیشنهاد متفاوتی نیز در محافل دو اردوگاه مطرح شده است. وای‌نت گزارش داده برخی چهره‌های نزدیک به نتانیاهو و مخالفانش درباره سازوکاری گفت‌وگو می‌کنند که او دو سال نخست ریاست دولت وحدت را بر عهده بگیرد و سپس با انتقال به ریاست‌جمهوری، جای خود را به آیزنکوت یا نامزد مورد توافق بدهد. هنوز روشن نیست خود نتانیاهو و آیزنکوت این پیشنهاد را پذیرفته‌اند یا حتی از آن حمایت می‌کنند. زمان‌بندی ایده تصادفی نیست. حدود دو سال باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، تا ژانویه ۲۰۲۹، فرصت همکاری نزدیک نتانیاهو با واشینگتن بر سر ایران و طرح‌های منطقه‌ای را حفظ می‌کند. از سوی دیگر، دوره هفت‌ساله ریاست‌جمهوری هرتزوگ در هفتم جولای ۲۰۲۸ پایان می‌یابد؛ زمانی نزدیک به موعد پیشنهادی چرخش نخست‌وزیری. اما ریاست‌جمهوری در اسرائیل با توافق رهبران احزاب واگذار نمی‌شود؛ کنست باید رئیس‌جمهور را با رأی مخفی انتخاب کند. ایده تازه مستلزم تغییر قانون برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری بسیار زودتر از موعد کنونی است تا انتخاب نتانیاهو پیشاپیش تضمین سیاسی اجرای توافق شود. پای پرونده فساد نتانیاهو نیز به این محاسبه باز شده است. او پیش‌تر از هرتزوگ درخواست عفو و ترامپ نیز علنا از این درخواست حمایت کرده است. در یک طرح تحلیلی جداگانه در وای‌نت، انتقال نتانیاهو به ریاست‌جمهوری همراه با عفو، بخشی از معامله سیاسی احتمالی تصویر شده است. با این حال، نه چنین توافقی منعقد شده و نه عفو تضمین‌شده است. کارشناسان حقوقی درباره عفو پیش از پایان محاکمه اختلاف دارند و اداره عفو وزارت دادگستری نیز درباره قانونی و موجه‌بودن آن ابراز تردید کرده است. مخالفان هم هشدار داده‌اند چنین اقدامی می‌تواند به اصل برابری در برابر قانون و اعتماد عمومی به نهاد ریاست‌جمهوری آسیب بزند. ریاست‌جمهوری به‌خودی‌خود پرونده را مختومه نمی‌کند. قانون اسرائیل برای رئیس‌جمهور در دوره تصدی، مصونیت از پیگرد کیفری پیش‌بینی کرده، اما این مصونیت با عفو تفاوت دارد؛ عفو نیازمند تصمیم جداگانه و روند حقوقی مربوط است. علاوه بر آن، خاطره توافق چرخشی نافرجام نتانیاهو و بنی گانتس سبب شده مخالفان خواهان تضمینی عملی برای واگذاری قدرت باشند. انتخاب زودهنگام نتانیاهو به ریاست‌جمهوری، بنا بر استدلال طراحان، قرار است چنین تضمینی ایجاد کند، نه اینکه همین حالا نتیجه مذاکرات باشد. لیبرمن و دیگر مخالفان سرسخت نتانیاهو همچنان با حضور او در دولت مخالفت می‌کنند و حزب آیزنکوت نیز چرخش پیشنهادی را نپذیرفته است. در مقابل، بنت نگران است ادامه بن‌بست به انتخابات دوباره منجر شود. به این ترتیب، فاصله میان دو مسیر روشن‌تر شده است: یا ائتلافی که نتانیاهو را از قدرت اجرائی کنار بگذارد، یا معامله‌ای گسترده که پایان نخست‌وزیری او را با تضمین آینده سیاسی و حقوقی‌اش پیوند بزند. هنوز هیچ‌یک رأی لازم برای تشکیل دولت را به دست نیاورده‌اند.

نشست شنژن به یالتای دوم تبدیل نشد

بنامینو ایردی

نشست سه‌جانبه دونالد ترامپ، شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین در شهر شنژن چین، از همان ابتدا با کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵ مقایسه شد. این مقایسه به‌ویژه از سوی مسکو تقویت شد؛ جایی که یالتا نماد توافق قدرت‌های بزرگ برای تقسیم حوزه‌های نفوذ و تثبیت کنترل شوروی بر بخش بزرگی از اروپا محسوب می‌شود. اما آنچه در شنژن اتفاق افتاد، بیش از آنکه یک توافق تاریخی باشد، نمایشی نمادین بود. بیانیه مشترک سه رهبر با عنوان «اعلامیه در مسیر صلح» تقریبا هیچ تعهد مشخصی ایجاد نکرد. در آن از اصلاح سازمان ملل، تداوم ارسال سوخت و گفت‌وگو درباره خطرات هسته‌ای سخن گفته شد، اما هیچ جدول زمانی، سازوکار اجرائی یا تعهد عملیاتی روشنی ارائه نشد. تنها بخش نسبتا صریح بیانیه، هشدار به دیوان کیفری بین‌المللی درباره سوءاستفاده از صلاحیت قضائی بود. مسائل اصلی جهان عملا از دستور کار کنار گذاشته شدند. اوکراین در بیانیه جایی نداشت؛ زیرا روسیه همچنان بر خواسته‌های حداکثری خود پافشاری می‌کند. ایران به دلیل حمایت روسیه و چین از تهران و هزینه‌های سیاسی و نظامی جنگ برای ترامپ، موضوعی نبود که واشینگتن تمایلی به برجسته‌کردن آن داشته باشد. با این حال، تصویر سه رهبر در کنار یکدیگر به‌تنهایی اهمیت سیاسی داشت؛ تصویری که از تایپه تا کی‌یف و توکیو نگرانی‌هایی درباره احتمال توافق‌های پشت پرده میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرد. نخستین تفاوت اساسی شنژن با یالتا، جایگاه ضعیف‌تر رهبران حاضر در نشست است. رهبران یالتا نمایندگان قدرت‌هایی بودند که در جنگ جهانی دوم پیروز شده و نظم جدید جهانی را شکل می‌دادند. تصمیم‌های آنها برای چند دهه بر سرنوشت اروپا و آسیا تأثیر گذاشت. اما سه رهبر حاضر در شنژن، هرکدام با مشکلات و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی مواجه‌اند و به تصویری مشترک برای نمایش قدرت نیاز داشتند. برای چین، میزبانی این نشست فرصتی برای نمایش جایگاه جهانی بود. شنژن که در سال ۱۹۸۰ به نخستین منطقه ویژه اقتصادی چین تبدیل شد، امروز یکی از قطب‌های بزرگ فناوری و تولید جهان است. با این حال، موتور رشد اقتصادی چین در حال کُندشدن است. صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی این کشور را برای سال جاری ۴.۵ درصد و برای سال ۲۰۲۷ حدود چهار درصد پیش‌بینی کرده است. کاهش تقاضای داخلی، بحران مسکن و افول جمعیتی نیز چشم‌انداز بلندمدت پکن را دشوارتر کرده‌اند. برای پوتین، حضور در این نشست دستاورد نمادین مهم‌تری داشت. اقتصاد روسیه با تولید ناخالص داخلی حدود ۲.۷ تریلیون دلار، فاصله زیادی با اقتصاد ۳۲.۶ تریلیون دلاری آمریکا و اقتصاد ۲۱.۵ تریلیون دلاری چین دارد. با وجود این، مسکو از طریق سیاست خارجی تهاجمی توانسته جایگاهی فراتر از وزن واقعی اقتصادی و نظامی خود به دست آورد. حمله به گرجستان، الحاق کریمه، جنگ سوریه، تهاجم به اوکراین و عملیات ترکیبی علیه کشورهای اروپایی، همگی بخشی از راهبردی هستند که بر استفاده از زور و بهره‌برداری از انفعال رقبا استوار است.

ترامپ نیز به این نشست نیاز داشت. پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر و تصاحب هر دو مجلس کنگره، همراه با پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ ایران، موقعیت داخلی او را تضعیف کرده بود. حضور در کنار دو رهبر قدرتمندگرا فرصتی برای نمایش موفقیت دیپلماتیک و فاصله‌گرفتن از ناکامی‌های داخلی و خارجی بود.

منبع: فارن‌پالسی

گزارش

نیروهای امنیتی عراق در پایگاه کتائب حزب‌الله

نیروهای امنیتی عراق از روز جمعه در منطقه جرف الصخر، یکی از پایگاه‌های اصلی گروه کتائب حزب‌الله مستقر شدند. به گزارش رویترز، این اقدام در چارچوب توافقی صورت گرفته است که هدف آن، محدودکردن نفوذ یکی از قدرتمندترین گروه‌های مسلح در عراق، بدون ورود به درگیری مستقیم با این گروه است. علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، در هفته جاری دستور داد نیروهای امنیتی علیه کتائب حزب‌الله وارد عمل شوند. الزیدی خطاب به نیروهای امنیتی گفت: «ما در حال جنگ نیستیم. همه کسانی که آنجا حضور دارند، برادران شما هستند. اما تصمیم ما قطعی است؛ هیچ سلاحی نباید خارج از اختیار دولت باشد، هیچ تصمیمی جز تصمیم عراق و هیچ پرچمی بالاتر از پرچم عراق». الزیدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت تلاش برای گسترش اقتدار دولت بر سراسر عراق و مقابله با فساد و سلاح‌های خارج از کنترل حکومت، از جرف الصخر که مقام‌های عراقی آن را جرف النصر می‌نامند، آغاز می‌شود.

مقام‌های عراقی این گروه را به «اداره شبکه گسترده قاچاق نفت» متهم کرده‌اند که به گفته آنها، صدها میلیون دلار نفت متعلق به دولت را در منطقه جرف الصخر به‌طور غیرقانونی برداشت کرده است. کتائب حزب‌الله که از سوی آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارد، اتهامات مربوط به قاچاق نفت را رد کرده است.

به گزارش رویترز، کاروانی از خودروهای حامل پرچم عراق به سوی جرف الصخر حرکت کرد و نیروهای نظامی پس از ورود به منطقه، در مرکز آن مستقر شدند. مقام‌های ارشد امنیتی عراق نیز در یک نشست خبری اعلام کردند نیروهای دولتی مسئولیت تأمین امنیت این منطقه را بر عهده خواهند گرفت.

طبق توافقی که با میانجیگری سیاست‌مداران شیعه عراق حاصل شده است، اعضای کتائب حزب‌الله قرار است از جرف الصخر خارج شده و به مناطق دیگر عراق منتقل شوند. همچنین قرار است یک مقر امنیتی در این منطقه برای نظارت بر روند واگذاری کنترل آن به نیروهای دولتی افتتاح شود. خبرگزاری رسمی عراق گزارش داده است پلیس انرژی این کشور نیز تأمین امنیت یک خط لوله نفت در جرف الصخر را آغاز کرده است.

تاکنون ۹ مقام ارشد امنیتی و نفتی عراق در پی تحقیقات درباره فعالیت‌های غیرقانونی در جرف الصخر، واقع در استان بابل و در حدود ۵۰کیلومتری جنوب بغداد، از سمت‌های خود برکنار شده‌اند. کتائب حزب‌الله و دیگر گروه‌های نظامی تاکنون از تحویل سلاح‌های خود به دولت عراق خودداری کرده‌اند. کتائب حزب‌الله که پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت، یکی از بانفوذترین اعضای ائتلافی متشکل از گروه‌های مسلح شیعه موسوم به «مقاومت اسلامی عراق» است.

سند مالکیت اینجانب کژال بهمنی فرزند حبیب الله
به شماره ملی ۳۷۳۲۰۳۱۵۵۱ در تاریخ مفقود شده
و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو رانا پلاس خاکستری متالیک مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک ۲۶ایران ۱۹۷س۳۵
شماره شاسی:NAAU۰۱FE۰NT۳۷۳۱۸۹
و شماره موتور ۱۶۷B۰۱۷۵۱۵۶
به نام محمد خالصی فر فرزند حسن در ۱۴۰۵/۰۸/۱۲
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **میلاد ریاضتی** فرزند غلامرضا
به کد ملی ۰۰۱۵۶۷۰۹۵۳ صادره از تهران در مقطع کاردانی
رشته نقشه‌کشی معماری - معماری صادره از دانشگاه علامه امینی بهنمیر
به شماره ۹۶/۵۷۴/م و تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار
است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علامه امینی بهنمیر
به نشانی مازندران - شهر ساحلی توریستی بابلسر- بهنمیر
بلوار امام خمینی- گلستان ۱۵ به کدپستی ۴۷۴۴۱۳۵۱۶۱ ارسال نماید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
اگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع مـاده ۳ و مـاده ۱۳ آئیـن نامـه قانـون تعییـن تکلیـف وضعیـت ثبتـی بـه شـماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۶۰۲۰۸۱۰ ، مـورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۲ هیـات اول موضـوع قانـون تعییـن تکلیـف وضعیـت ثبتـی اراضـی و سـاختمان هـای فاقـد سـند رسـمی مسـتقر در واحـد ثبتـی شهرسـتان نـور تصرفـات مالکانـه و بلامعـارض متقاضـی آقـای / خانـم سـید روح الـه حسـینی فرزنـد سـید مصطفـی در قسـمتی از ششـدانگ یـک قطعـه زمیـن مزروعـی (کاربـری زراعـی باغـی) بـه مسـاحت ۵۶ / ۷۴۳ مترمربـع قسـمتی از پـلاک ۱۹۳ فرعـی بـه پـلاک ۷۱۸ فرعـی از ۴ اصلـی واقـع در یالـرود بخـش ۵ ثبـت نـور خریـداری از آقـا / خانـم سـیدمصطفی حسـینی مـورد تاییـد و محـرز گردیـده اسـت .لـذا بـه منظـور اطـلاع عمـوم مراتـب در دو نوبـت بـه فاصلـه ۱۵ روز در روزنامـه سراسـری و محلـی آگهـی مـی گـردد در صورتیکـه اشـخاص ذینفـع بـه آرای اعـلام شـده اعتـراض داشـته باشـند بایـد از تاریـخ انتشـار آگهـی تـا ۲ مـاه اعتـراض خـود را بـه اداره ثبـت محـل وقـوع ملـک تسـلیم و رسـید اخـذ نماینـد. معتـرض بایـد ظـرف یـک مـاه از تاریـخ تسـلیم اعتـراض مبـادرت بـه تقدیـم دادخواسـت بـه دادگاه عمومـی محـل نمایـد و گواهـی تقدیـم دادخواسـت را بـه اداره ثبـت محـل تحویـل دهـد بدیهـی اسـت در صـورت انقضـای مـدت مذکـور و عـدم وصـول اعتـراض طبـق مقـررات سـند مالکیـت صـادر خواهـد شـد.
م.الف . ۲۳۳۰۲۷۳
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱
تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۱۴
علی سعادتی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور ۶۵۱۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فردیس
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابـر رای شـماره۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۰۰۰۹۸۲۶ هیـات اول موضـوع قانـون تعییـن تکلیـف وضعیـت ثبـتی اراضی وسـاختمانهای فاقـد سـند رسـمی مسـتقر در واحـد ثبـتی حـوزه ثبـت ملـک فردیـس تصرفـات مالکانـه بلا معـارض متقـاضی خانـم الهه میـرزائی فرزنـد محمد یوسـف بشـماره شناسـنامه ۸۴۴ صـادره از کرج در ششـدانگ یـک قطعـه زمیـن بـا بنـای احـداثی بـه مسـاحت ۲۹/۹۷ متـر مربـع از پـلاک ۵۹۲ فـرعی از ۱۹ اصـلی واقـع در کـرج گـردره کوهـک کوچـه شـهید مختـاری پلاک ۷۹ خریـداری از مالـک رسـمی محمـد یوسـف میـرزایی محـرز گردیـده اسـت. لـذا بـه منظـور اطلاع عمـوم مراتـب در دونوبـت بـه فاصلـه ۱۵ روز آگـهی می شـود در صورتی کـه اشـخاص نسـبت بـه صـدور سـند مالکیـت متقـاضی اعتـراضی داشـته باشـند می تواننـد از تاریـخ انتشـار اولیـن آگـهی بـه مـدت دو مـاه اعتـراض خـود را بـه ایـن اداره تسـلیم و پـس از اخـذ رسـید ظـرف مـدت یـک مـاه از تاریـخ تسـلیم اعتـراض دادخواسـت خـود را بـه مراجـع قضایـی تقدیـم نماینـد. بدیهـی اسـت در صـورت انقضـای مـدت مذکـور و عـدم وصـول اعتـراض طبـق مقـررات سـند مالکیـت صـادر خواهـد شـد.
ملـک موضـوع صرفـا جهـت الحـاق بـه باقیمانـده پلاک ثبـتی ۵۹۲ فـرعی از ۱۹ اصـلی میباشـد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۰۹/۰۱
۵۹۶۷

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابـرای شـماره ۶۶۴۰ ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰ مـورخ ۱۴۰۵/۷/ ۲۸ هیـات موضـوع قانـون تعییـن تکلیـف وضعیـت ثبـتی اراضـی و سـاختمانهای فاقـد سـند رسـمی مسـتقر در واحـد ثبـتی حـوزه ثبـت ملـک بنـدر گنـاوه تصرفـات مالکانـه بلامعـارض متقاضـی آقـای هـادی درخشـان فرزنـد یوسـف بـه شـماره شناسـنامه ۱۰۴ کـد ملـی ۳۵۳۹۹۶۷۹۲۳ صـادره از گنـاوه را نسـبت بـه ششـدانگ عرصـه و اعیـان یـک قطعـه زمیـن کشـاورزی مسـاحت ۲۸۲۳/۷۰ مترمربـع درقسـمتی ازپـلاک ۱۳۶۱ اصلـی واقـع در مـال قائـد گنـاوه خریـداری مـع الواسـطه از آقـای علی حیـات داودی و شـرکاء محـرز گردیـده اسـت.لذا بـه منظـور اطـلاع عمـوم مراتـب در دو نوبـت بـه فاصلـه ۱۵ روز آگـهی مـی شـود در صورتـی کـه اشـخاص نسـبت بـه صـدور سـند مالکیـت متقـاضی اعتراضـی داشـته باشـند مـی تواننـد از تاریـخ انتشـار اولیـن آگـهی بـه مـدت دو مـاه اعتـراض خـود را بـه اداره تسـلیم و پـس از اخذ رسـید ظـرف مدت یـک مـاه از تاریـخ تسـلیم اعتـراض دادخواسـت خـود را بـه مراجـع قضایـی تقدیـم نماینـد.بدیهـی اسـت در صـورت انقضـای مـدت مذکـور و عـدم وصـول اعتـراض طبـق مقـررات سـند مالکیـت صـادر خواهـد شـد صـدور سـند مالکیـت مانـع مراجعـه متضـرر بـه مراجعـه ذیصـلاح قضایـی نمـی باشـد .
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۹/۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۹/۱۶
شناسه : ۲۳۲۸۲۳۶
محمد چهابدار - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش ۶۵۱۰